

بازخوانی نقش مدیریت جهادی در انقلاب اسلامی مطالعه موردی: سیره شهید سلیمانی

محمد داوند^{۱*}

شهره شهسواری فرد^۲

سیدروح‌الله میرشفیعی^۳

چکیده

هدف: در جریان انقلاب اسلامی ایران و رویدادهای پس از آن، فرهنگی با سبک مدیریتی بسط یافت که از آن به‌عنوان «کار جهادی» تعبیر گردید. در این راستا نگارنده در صدد است، به تبیین مدیریت جهادی شهید سلیمانی به‌عنوان یک پارادایم مدیریتی برگرفته از اصول انقلاب اسلامی، بپردازد. **روش‌شناسی پژوهش:** روش این پژوهش، کیفی از نوع تبیینی-تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است و ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری خواهد بود. **یافته‌ها:** از حیث هستی‌شناسی، مدیریت ایشان در راستای پذیرش حاکمیت و مدیریت خداوند بر تمامی امور دنیا، جهادگرانه (جهاد با نفس و جهاد در عرصه‌های اجتماعی و راهبردی)، انقلابی (پایبندی به مبانی و اصول انقلاب) و ولایت‌مدارانه (اطاعت از ولی فقیه) است. از لحاظ معرفت‌شناسی، اولاً مدیریت جهادی شهید سلیمانی در پرتو انقلاب اسلامی قابل شناخت است و منابع شناخت آن تخصص محوری، فرهنگ‌مدی، دشمن‌شناسی و شناخت بحران هستند. روش‌های مدیریت جهادی شهید سلیمانی نیز عملگرایی، بدیل‌گرایی و زمان‌شناسی، ارزیابی و بسیج منابع و ... هستند. **نتیجه‌گیری:** مدیریت جهادی شهید سلیمانی از مکاتب مدیریتی تراز انقلاب اسلامی است؛ چرا که با هدف ارتقاء کیفیت زندگی، مبتنی بر تفکر توحیدی-معنوی، قابل شناخت و بر اساس روش‌های تخصصی و بومی است.

کلیدواژه‌ها: شهید سلیمانی، مدیریت جهادی، انقلاب اسلامی، توحید، ارتقاء کیفیت زندگی.

Email: davand@iauk.ac.ir

۱- استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Sh.shahsavari10@gmail.com

۲- استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

Email: mirshafiee.ir@gmail.com

۳- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶

مقدمه

برخی از نویسندگان «مدیریت جهادی» را مطلقاً همان «مدیریت اسلامی» معنا کرده‌اند. هر چند «مدیریت جهادی»، «اسلامی» هم هست، ولی هر مدیریت اسلامی، لزوماً جهادی نیست. «مدیریت جهادی» به‌عنوان «واژه‌ای نو» در ادبیات کشور، قدمتی بس طولانی دارد و به زمان «رسول خدا(ص)» و کاربرد آن در «جنگ‌ها»، برمی‌گردد (جوادی آملی، ۲۰۰۶).

اگرچه به‌زعم برخی، مدیریت جهادی، مدیریت علمی نیست (مرتضوی و عراقی، ۲۰۰۸: ۸۶). اما نویسندگان این پژوهش بر این اعتقادند که پارادایم انقلاب اسلامی، الزاماتی برای علم مدیریت تعریف می‌کند که مدیریت جهادی شاخصه‌های علمی، متمایزکننده و نوآورانه خواهد داشت. لذا با توجه به مقتضیات زمانی جامعه ایرانی، مدیریت، زمانی می‌تواند جوابگوی دغدغه‌ها باشد و دستاوردهای بزرگ مورد انتظار را تحقق بخشد که با صفت بومی- اسلامی، همراه گردد. این سبک مدیریت، در پرتو پارادایم فکری انقلاب اسلامی دارای نظام ارزشی لایتغیری است که ریشه در نیازهای ثابت انسان داشته، و تمایز آن با نظام‌های «مدیریتی ماده‌گرایانه» نیز در همین پیش‌فرض‌ها و مبانی فکری- عقیدتی آن است. مقوله‌ی «مدیریت جهادی» با معنایی اخص از «مدیریت اسلامی»، مقوله‌ای است هم‌زاد انقلاب اسلامی و شرایط پس از آن. در این نظام مدیریتی، احکام اسلام به‌عنوان راهبردی برای زندگی و شاخصی برای سنجش حیات مطلوب در نظر گرفته شده و هدفش، پیاده‌سازی ارزش‌ها در جامعه، به منظور تبدیل آنها به کیفیت برتر زندگی می‌باشد. لذا دغدغه اصلی نویسندگان در این تحقیق، پرداختن به نقش مدیریت جهادی به‌مثابه یکی از اجزای اصلی شیوه حکمرانی و حکمرانان در انقلاب اسلامی است.

ضرورت تحقیق

حکمرانی خوب به خصوص در سطوح مدیریتی، نقش بی‌بدیلی در توسعه یک کشور دارد. از این‌رو، مطالعه و بررسی آن بسیار مهم و اثرگذار است (منتظری و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۳۳). از آنجا که یکی از ارکان «حکمرانی خوب» به‌زعم صاحب‌نظران «مدیریت جهادی» است، بررسی این مفهوم و تعمیم آن در «سبک مدیریت قاسم سلیمانی» لازم تلقی می‌گردد. در این بین، مدیریت جهادی مولود انقلاب اسلامی است که آثار آن در دوران دفاع مقدس و خصوصاً نهاد جهاد سازندگی ظهور و بروز پیدا کرده است. مدیریتی که با بهره‌گیری از ابزار علم و هم‌جهت با «اراده الهی»، به «مشیت عمومی» می‌پرداخت. پیروزی انقلاب اسلامی، تجارب نیروهای مسلح در دوران دفاع مقدس، سازندگی روستاها و حتی پیروزی مقاومت «حزب الله لبنان» در برابر رژیم صهیونیستی، همه بیانگر کارآمدی این مدل مدیریت در عرصه‌های سنگین و پیچیده است. لذا تشریح و تبیین این ضروریات هدف اصلی پژوهش پیش‌رو است.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

- ارتباط معنایی مدیریت جهادی شهید سلیمانی با مبانی انقلاب اسلامی و تبلور عینی و عملی آن چگونه است؟

سؤالات فرعی

- مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ هستی شناسی، چگونه قابل تبیین است؟
- مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ معرفت شناسی، چگونه قابل تبیین است؟
- مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ روش شناسی، چگونه قابل تبیین است؟

فرضیه تحقیق

مدیریت جهادی شهید سلیمانی از مکاتب مدیریتی تراز انقلاب اسلامی است؛ چرا که با هدف ارتقاء کیفیت زندگی، از لحاظ هستی شناسی، مبتنی بر تفکر توحیدی- معنوی، از لحاظ معرفت شناسی قابل شناخت و بر اساس روش های تخصصی و بومی است.

پیشینه پژوهش

با جست و جوی در فهرست کتب، مقالات و رساله های دانشگاهی، مطالب در باب «مدیریت جهادی» بی شمار و تعمیم آن در سبک مدیریت «قاسم سلیمانی» اندک بوده است.

محمدی (۲۰۰۸)، در تحقیقی با عنوان «تبیین فرهنگ و مدیریت جهادی و شاخص های آن» معتقد است: در فرهنگ و مدیریت جهادی بیشتر بُعد معنوی (زیرساخت ها) فرهنگ مورد تأکید قرار می گیرند. در این بُعد، بر روی دو محور اساسی یعنی ۱- محور اندیشه ها، بینش ها و عقاید، ۲- محور ارزش ها، مکارم و اخلاقیات نسبت به بُعد مادی (رویناها) تأکید بیشتری شده است. نویسندگان معتقدند به رغم نظر محمدی، «رفتار سازمانی» و «روش های مدیریتی» و «عملکرد» در فرهنگ جهادی که بیشتر جنبه مادی دارند، در امتداد جنبه های غیرمادی، مد نظر هستند.

در تحقیقی دیگر منتظری و همکاران، (۲۰۱۸)، با نام «الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، بر این باورند: از دیدگاه نهج البلاغه «رفتار فاضله» به مثابه پدیده اساسی و در تعامل با عوامل دیگر، موجب «حکمرانی کریمه» به عنوان الگوی «حکمرانی خوب» می شود. البته این تحقیق با اهداف کلی تحقیق پیش رو فاصله زیادی دارد، اما نوآوری آن (ارتباط بین رفتار فاضله و حکمرانی خوب) الهام بخشی بسزایی برای تحقیق حاضر دارد.

صادقی و قاسمی (۲۰۰۹)، در پژوهشی تحت عنوان «تلفیق فرهنگ جهادی با فرهنگ سازمانی در راه یک ساختار نو»، فرهنگ جهادی را از دسته فرهنگ های بومی و زاینده ارزش های انقلاب اسلامی معرفی می کنند و معتقدند ترکیب فرهنگ جهادی با فرهنگ کلاسیک سازمانی منجر به شناخت مؤلفه هایی چون:

ارزش‌گرایی، نوآوری و خلاقیت، روحیه جهادی، انطباق‌پذیری و کارآمدی شده است. به نظر می‌رسد اگر چه این پژوهش از حیث نظری قوی و دارای پشتوانه علمی است، اما از حیث عملی اگر با یک مطالعه موردی عجین می‌شد، قابلیت‌های بیشتری داشت.

علی‌مردانی و پورکریمی (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مشخصه‌های مدیریت جهادی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی» بر این باورند که چهار شاخصه مدیریتی با عناوین اجتماعی- فرهنگی، اعتقادی- اخلاقی، تفکری- بینشی و میدانی- عملیاتی؛ در شیوه مدیریتی جهادی شهید سلمانی قابل استخراج هستند. این پژوهش در دسته‌بندی داده‌ها موفق عمل نموده است، اما بیشترین آسیبی که به آن وارد است، عدم در نظر داشت جنبه‌های فرا نظری مدیریت جهادی (چیستی، شناختی و روشی) شهید سلیمانی است.

محمدی‌سیرت (۲۰۲۱)، در پژوهش خود با عنوان «اصول و مبانی قرآنی مدیریت جهادی بحران‌های اجتماعی»، پس از استخراج اصول مدیریت جهادی بحران، دوازده اصل (پیش‌بینی و ایجاد آمادگی، پیشگیری، پاسخ‌دهی سریع، مهارسازی، حذف عوامل بحران‌زا، مطالعه و بررسی بحران و بازسازی آن) را در مدیریت بحران تأثیرگذار تلقی می‌کند. این پژوهش به‌رغم کارایی (جنبه‌های روش‌شناسانه)، از اهداف اصلی تحقیق حاضر فاصله دارد.

رفیعی طاری و عبدیان (۲۰۱۹)، در تحقیقی تحت عنوان «نشانه‌شناسی و نمادشناسی شخصیت قاسم سلیمانی» به بررسی ابعاد شخصیتی و رفتاری شهید سلیمانی با عنایت به مشخصه‌های فرماندهی ایشان به‌واسطه سیمای جمهوری اسلامی از منظر اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، پرداخته‌اند. اگر چه این پژوهش به شخصیت و رفتار مدیریتی شهید سلیمانی اشاره نموده است، اما هدف اصلی با اهداف اصلی تحقیق پیش‌رو مشترک نیست.

در نهایت سهیلی و مرادی (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی اسلامی مردم‌پایه بر اساس مدیریت جهادی (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب)»، می‌نویسند: نیروهای انسانی جوان با جهاد علمی، روحیه انقلابی، امیدواری، عدم ترس، و اتکا به ظرفیت‌های علمی و عملی در اعتلای حکمرانی اسلامی، مدیریت جهادی را بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، پیاده نمود. اگرچه مدیریت جهادی بخشی از حکمرانی اسلامی است، اما ذکر دقیق شاخصه‌های مدیریت جهادی برای تحقیق پیش‌رو با توجه به هدف اصلی تحقیق، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

این پژوهش نسبت به تحقیقات انجام شده فوق‌الذکر، دارای جنبه‌هایی از نوآوری است: اول آن که از حیث موضوع، کمتر پژوهشی مدیریت جهادی را به شکل علمی در شیوه مدیریتی مدیران انقلاب اسلامی پیاده نموده است. دوم، نویسندگان «مدیریت جهادی» را بیش از آن که «نظریه» قلمداد کنند، «فرانظریه» تلقی کرده و جنبه‌های هستی‌شناسانه، شناخت‌شناسانه و روش‌شناسی مدیریت جهادی، مدنظر آنها بوده است. این امر به غنای علمی پژوهش می‌افزاید. سوم، از این رهگذر (فرانظریه) ابعاد اصلی مدیریت جهادی بیشتر مشخص می‌شود و از شکل یک «مفهوم» به ریخت یک «نظریه» بیشتر نزدیک می‌شود. چهارم، در

این تحقیق پیوند نزدیکی بین دو رشته علوم سیاسی (جهاد: در نظر داشت تأثیر اصول انقلاب اسلامی در تربیت مدیران جهادی) و مدیریت (مدیریت جهادی) برقرار شده که حاکی از نوآوری آن است.

چارچوب نظری

در این قسمت در پی پاسخ به این پرسش هستیم که مدیریت جهادی شهید سلیمانی چگونه از حیث معنایی و عملی با انقلاب اسلامی رابطه برقرار می‌کند؟

هرگونه تعریف از «مدیریت جهادی» در تعریف مفهوم «جهاد» نهفته است و اگر صفت «جهاد» تبیین شود، منظور از «مدیریت جهادی» معلوم می‌شود. مفهوم «جهاد»، به کرات در آیات و روایات اسلامی آمده است. به عبارتی، «۴۱ مرتبه» در قرآن ذکر شده، که از آن تحت عنوان «برترین اعمال» و از «ارکان مهم اسلام» ذکر شده است (نقدی پور و مختاریند، ۲۰۱۹: ۵). جهاد کلمه‌ای از ریشه «جهد» به معنای «سختی و مشقت»، و در اصطلاح «به‌کار بردن آخرین حد تلاش و کوشش در دفع «دشمنان» (محمدی سبیرت، ۲۰۲۱: ۵) است. بنابراین «جدّ و جهد» و «مبارزه در مقابل دشمن» دو رکن اساسی جهاد است. البته، دایره جهاد فقط به مبارزه در میدان نبرد ختم نشده و هر جا که مانعی باشد و در نتیجه تلاشی خالصانه صورت پذیرد، در این مقوله می‌گنجد. بنابراین، معنایی وسیع‌تر از «قتال و مبارزه مسلحانه» دارد.

حال با این توصیف، از کلمه «جهاد»، تعبیر «مدیریت جهادی»؛ مدیریتی است برخاسته از انقلاب اسلامی و مبتنی بر ایمان به خدا، داشتن گام‌های بلند و شتاب مدبرانه و خستگی‌ناپذیری، که با بصیرت و دشمن‌شناسی متمایز می‌شود (عزتی، ۲۰۱۳: ۲۳)؛ و در اساس تلاشی است بی‌وقفه در بکارگیری مؤثر فعالیت افراد، در کلیه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، و... با نیت الهی، در راستای نیل به اهداف جامعه و رفع موانع موجود؛ که هدف خود را اثبات کارآمدی دین در اداره مسائل اجتماعی می‌بیند (خلج، ۲۰۱۹: ۱۲۴). و همین اصل بنیادین (برگرفته از انقلاب اسلامی) این مدیریت را از سبک‌های دیگر «مدیریت ماده‌گرا» منفک می‌سازد (علی شیری، ۲۰۱۵: ۸۹).

با این توصیف، مدیریت جهادی بر سه پایه استوار است: بُعد ساختاری؛ که دارای مؤلفه‌هایی نظیر: مدیریت نظامی ولایتی، انعطاف‌پذیری ساختار، تشکیلات مناسب با شرایط روز کشور و منطقه می‌باشد (صادقی و قاسمی، ۲۰۰۹: ۱۴۲-۱۳۲)؛ بُعد رفتاری؛ که دارای مؤلفه‌هایی نظیر: خودباوری، پرکاری، تحول‌آفرینی، پویایی، سخت‌کوشی، سرعت عمل در کارها است (محمدی، ۲۰۰۸: ۵۵)؛ و بُعد زمینه‌ای؛ که شامل مؤلفه‌هایی نظیر: مشارکت‌پذیری، قناعت، نهادینه کردن اخلاق و ارزش‌های دینی در جامعه است. به عبارتی، تأکید تام بر معنویت و ارزش‌های اخلاقی اسلامی انسانی است (ابراهیم‌پور و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۷-۳۳).

در همین راستا با وقوع انقلاب اسلامی، سبکی از مدیریت در حوزه تئوریک و رفتاری بنا نهاده شد که مبنای آن را نظام ارزشی اسلامی تشکیل می‌دهد و باعث شد تا روش‌های عملی مدیران بار ارزشی گرفته و درک ضروریات و نیازهای جامعه توأم با روح معنوی، دینی و شعور انقلابی مورد نظر و عمل مدیران قرار گیرد (فعال گلشنی و عطایی، ۲۰۲۱: ۱۴۵۰). لذا، انگاره ارزشی «مدیریت جهادی» به شکل نوین پس از

پیروزی «انقلاب اسلامی» با شکل‌گیری «جهاد سازندگی» به‌وجود آمد. و طی زمان بسط و گسترش یافت. فرهنگ برآمده از دوران جهاد سازندگی، بر روی جهادگران چنان ابعادی داشت؛ که مردم، این طیف را به‌عنوان الگویی از یک «انسان کامل» و «ابر مرد» می‌شناختند. که دارای مدل مدیریتی متفاوت با سبک‌های مرسوم علمی هستند؛ مدیریتی که «بومی» و منطبق با هویت و «ارزش‌های اسلامی» و ایرانی است؛ و به خصوص در مدیران سطوح عالی نمود بیشتری دارد. در همین راستا، بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» یکی از مهم‌ترین اسناد کشور است که در یک بیان قاطع: «مدیریت جهادی را عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌ها می‌داند. و «قاسم سلیمانی» به‌عنوان یکی از مدیران در ساختار حکومت که موفق به گرفتن نشان «ذوالفقار» گردید، در این عرصه جای دارد (افشار، ۲۰۲۱: ۶۵). بنابراین، نویسندگان سه بُعد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناختی و روش‌شناسی مدیریت شهید سلیمانی را تبیین نموده؛ تا ازین رهگذر حیطه تئوریک و عملی مدیریت جهادی وی تحلیل شود.

جدول ۱: وجوه افتراق «مدیریت جهادی» با مکاتب «مدیریتی ماده‌گرا»

تفکر توحیدی- معنوی و بی‌تعلقی به دنیا، اخلاص، ایثار، عدالت‌خواهی در مدیریت جهادی با فرهنگ اومانستی و سکولار مکاتب مادی‌گرا متفاوت است.	مبانی نظری
فرهنگ مدیریت جهادی برگرفته از ساختارها و اصول انقلاب اسلامی است و با مصرف‌گرایی و شیوه‌های تکنوکراتی (فن‌سالاری) که مولود فرهنگ سرمایه‌داری است، مغایرت دارد.	ساختاری
یکی از تفاوت‌های اصلی مدیریت جهادی با سایر نظام‌های مدیریت، پیش‌فرض‌ها و مبانی سیاسی اقتباسی آن از انقلاب اسلامی است، مدیریت جهادی را نباید در سایر نظام‌های مدیریت قرار داد؛ غالب این مکاتب ماده‌گرا در راستای اهداف نظام سلطه حرکت می‌کنند.	مشی سیاسی
در مدیریت جهادی ارزش‌محوری (انسان‌سازی) پرهیز از شعارزدگی، شهرت‌گرایی، مبارزه با غرب‌زدگی، احترام به خانواده و شجاعت اخلاقی اهمیت دارد. در مقابل در مکاتب مادی‌گرا خدا انگاری انسان و فرهنگ مصرف‌گرایی اهمیت دارد.	مشی فرهنگی
منبع: طراحی توسط نویسندگان	

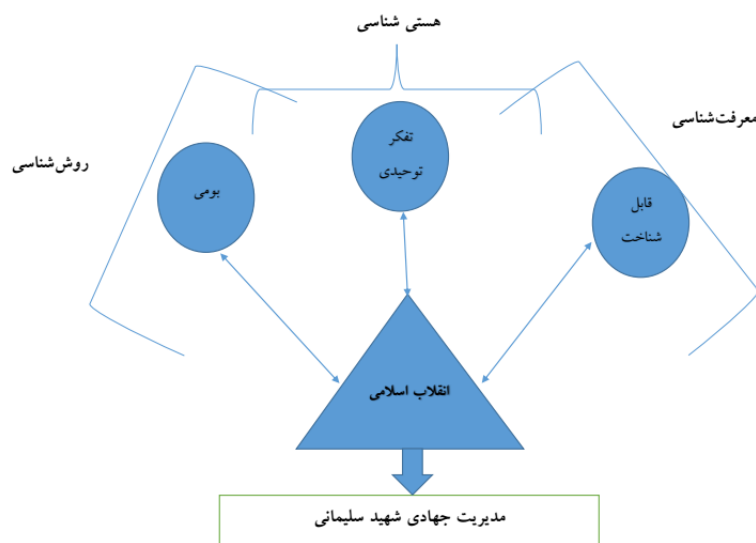
روش و الگوی تحقیق

- روش تحقیق

روش این تحقیق کیفی از نوع تبیینی- تحلیلی است. به عبارتی داده‌ها بر اساس پیشینه تحقیق، روابط بین متغیرها و استنتاج نویسندگان تنظیم و دسته‌بندی شده‌اند. بنابراین، شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی است و ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری است.

- الگوی تحقیق

مدیریت شهید سلیمانی منبعث از ابعاد هستی‌شناسانه، روش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه انقلاب اسلامی است. لذا هسته اصلی آن مبتنی بر تفکر توحیدی و در تضاد با مادی‌گرایی است. این مدیریت، برخلاف اندیشه‌های پساخترگرا، ساختارمند و مبتنی بر اصول و قابل شناخت است و روش‌های مدیریتی شهید سلیمانی، بومی و منطبق با سنت و مقتضیات خاص جامعه اسلامی و ایرانی است. در نگاره زیر الگوی اصلی حاکم بر تحقیق ترسیم شده است.



شکل ۱: الگوی تحقیق

منبع: طراحی توسط نویسندگان

یافته‌های پژوهش

هستی‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی

در این قسمت در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که اصول و مبانی و عناصر مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ هستی‌شناسی چیستند؟ و از کجا نشأت می‌گیرند؟ و چه نتایجی در پی دارند؟ در حیطه علوم اجتماعی، پرسش اساسی در باب هستی‌شناسی این است که آیا جهان اجتماعی واقعی مستقل از شناخت اندیشه‌ورز و رای ذهن وجود دارد؟ محور اصلی هستی‌شناسی بررسی ذات واقعیت اجتماعی - در اینجا مدیریت- و عناصر به وجود آورنده آن است (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۵۲). بنابراین، در هستی‌شناسی در پی آن هستیم که شالوده‌ها، جنس اصلی و ماهیت مدیریت جهادی شهید سلیمانی را مدون نماییم.

اصول و مبانی

موضوع هستی‌شناسی پاسخ به این سؤال مهم است که گستره عمل سیاسی یا مدیریتی تا کجاست؟ به عقیده افتخاری، الزامات انقلاب اسلامی برای علم اجتماعی سیاست و تبع آن مدیریت، هستی را به دو بُعد دنیا (جهان واقعی) و آخرت تقسیم می‌نماید. مهم‌ترین نتیجه این تقسیم‌بندی، ارزشی یا هنجاری شدن علم سیاست (افتخاری، ۲۰۱۵: ۴۲) و مدیریت است. این تقسیم‌بندی بدان معناست که جهان واقعی ورای ذهن اندیشمند [در نظریه مدیریت جهادی] وجود دارد؛ اگرچه متافیزیک و آخرت نیز حقیقت و واقعیت دارد (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۵۳). هستی‌شناسی مدیریت جهادی جوهرگرا نیز هست. این بدان معناست که در مدیریت جهادی برخلاف نظریه‌های پست‌مدرن، بر وجود نظم، جوهر و مرکزیت در عالم هستی تأکید می‌شود. و دستاورد آن ایمان به خداوند یکتا و در نهایت نظام توحیدی است (طاهری و عزیزخانی، ۲۰۱۱: ۵۲). این عقیده، به اصل بعدی هستی‌شناسی اسلامی یعنی اصل «علیت» منجر می‌شود. اصل علیت در حیطه خداشناسی، مبنای تمام استدلال‌های اثبات ذات خداوند است. علامه طباطبایی بر این اعتقاد است که علت تامه و حقیقی در جهان خداوند است و سایر علت‌ها شامل مجردات تام و فاعل‌های طبیعی از جمله اختیار انسان علل معدّی هستند که کارکرد آنها نزدیک ساختن معلول‌ها به مبدأ فیض می‌باشد (بصیری، ۲۰۱۷: ۳۸-۴۰). در نهایت مهم‌ترین اصل هستی‌شناسی اسلامی اصل توحید و وحدت در جهان واقع است. توحید، تضمین‌کننده چند اصل هستی‌شناسی دیگر در جهان‌بینی اسلامی است: (۱) هستی حقیقی و وجود مطلق، ذات خداوند کریم است؛ (۲) خداوند علت‌العلل است و بدون اراده او هیچ چیز وجود نمی‌آید؛ (۳) جهان هستی کل واحد است که مبدأ و مقصد آن خداوند بخشایشگر است و (۴) خداوند به‌عنوان مطلق بی‌عیب کل جهان را اداره و تدبیر می‌نماید (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۵۷-۵۴).

عناصر

اجزا و عناصر ابعاد هستی‌شناسانه مدیریت جهادی شهید سلیمانی عبارتند از:

توحیدمحوری

نظام ارزشی «قاسم سلیمانی» در یک جمله بر اسلام استوار بوده است. اسلام به انسان می‌آموزد که رفتارهای خود را به‌گونه‌ای سامان دهد که در اثر انجام آن، کمالات معنوی به‌دست آورد. ایمان بلندترین اندیشه‌ای است که در مغز و فکر بشر راه یافته است دل را امیدوار و خوشبین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌کند. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». از سوی دیگر در برابر پیشامدهای ناگوار، شکیبایی می‌کند و پاداش الهی را در مقابل خویش می‌بیند: «أَنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ». چنین انسانی سختی‌ها را زودگذر، و در انتظار سعادت جاودانی به سر می‌برد (رضائیان، ۲۰۱۰: ۷۸).

او نمونه عینی انسانی مؤمن به خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت و الگو گرفت. داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانتدار، وفادار به پیمان، پاک دستی، جهاد با مال و جان، حکم کردن به عدالت را می‌توان در جزء به جزء زندگی او مشاهده کرد. ایمان به خدا بود که او را تا خط مقدم نبرد با داعش می‌برد، بی‌آنکه ترس یا تردید به خود راه دهد. «قاسم سلیمانی»، در حقیقت بسیار شبیه «صعصعة بن صوحان»، صحابی امیرالمؤمنین (ع) بود؛ «خَفِيفَ الْمَوْتَةِ وَ كَثِيرَ الْمَعُونَةِ»؛ مردی سبک‌بار و پرارزش (رضائیان، ۲۰۱۰). از آنجا که یک «مدیر جهادی» مردم را مخلوق خداوند می‌داند و خدمت به آنها را عبادت، «فرد در برابر جامعه» و «جامعه در برابر فرد» مسئول است و افراد با جامعه کامل می‌گردند. و دارای «مسئولیت جمعی» هستند. مسئولیت اجتماعی در مکتب «قاسم سلیمانی» از عمل به تکلیف در دو بُعد شروع می‌شود.

اول: تکلیف را چطور تشخیص دهیم؟ چگونه «قاسم سلیمانی» تکلیف خود را تشخیص می‌داد؟ دوم: چگونه به این تکلیف عمل می‌کرد؟ (رضایی، ۲۰۱۹: ۴). بی‌شک یکی از دلایل حضور گسترده او در جغرافیای سیاسی منطقه، اعتقاد راسخ به مسئولیت اجتماعی - اسلامی خویش در تحقق و ایجاد بیداری اسلامی در سراسر منطقه بود. با نگاهی به وضعیت منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و طرح‌های ابرقدرت‌ها برای ملت‌های فلسطین، سوریه، یمن، بحرین و... بدون عمل به تکلیف و مسئولیت اجتماعی تحقق «بیداری اسلامی» امکان‌پذیر نبود.

جهادمحوری

مدیریت در مکتب «قاسم سلیمانی» از «جهاد با نفس» آغاز می‌شود. در این مکتب «اگر فردی توانست خود را مدیریت کند، می‌تواند همه جهان را مدیریت کند. اگر توانست خود را کنترل کند و خود را بسازد، می‌تواند دیگران را هم بسازد. و اگر توانست خود را تربیت کند، دیگران را هم می‌تواند تربیت کند». بنابراین، الگوی تربیت مدیران جهادی از خود مدیران شروع می‌شود و شروع آن هم از «جهاد با نفس» است (رودگر، ۲۰۲۱).

«پیتر دراگر»^۱ پدر علم مدیریت می‌نویسد: «اگر کسی بتواند زمان را مدیریت کند می‌تواند دیگران را مدیریت کند». اما در نگرش «قاسم سلیمانی» هر کسی بتواند خود را مدیریت کند، می‌تواند دیگران را مدیریت کند. ولی این جهاد با نفس در میدان عمل صورت می‌گیرد و در اتاق‌های در بسته و دور از حوادث انجام نمی‌شود. بنابراین جهاد با نفس جدای از جهاد با دشمن نیست. در ترکیب این دو جهاد، مدیران واقعی شکل می‌گیرند (رضایی، ۲۰۱۹: ۶).

انقلابی‌گری

1. Peter Drucker

مقام معظم رهبری در توصیف انقلابی‌گری شهید سلیمانی از جملاتی مانند «اهل حزب، جناح و مانند این‌ها نبود»، «ذوب در انقلاب بود»، «به شدت پایبند به انقلاب و پایبند به خط مبارک امام راحل بود» استفاده نموده است (رجبی، ۲۰۱۹: ۵۲). پهلوان و شریف در تحقیق خود انقلابی‌گری شهید سلیمانی را با مضمون‌هایی چون امین رهبری، ولایتمداری، پیگیر خشنود کردن امام، اعتقاد عملی به ولی فقیه، هماهنگی راهبردی و عملیاتی با رهبری، همسویی ایدئولوژیکی با رهبر، جانثار رهبر، اطاعت از تصمیم رهبر، اولویت دادن به نظر ولی فقیه نسبت به نظر خود، مطیع امام و رهبری، رفیق خوب رهبر، حمایت از رهبری، مقلد واقعاً رهرو، سربازی وظیفه‌شناس، داشتن دیدگاه حکیمانه در مقابل عالمانه به ولی فقیه، رابطه قلبی و حقیقی با رهبری توصیف می‌کنند (پهلوان و کاظمی، ۲۰۱۹: ۱۵۹).

ولایت‌مداری

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود به مفهوم «ولایت‌پذیری عملی» ارتقاء بخشیده است. ایشان با تقسیم ولایت‌پذیری به «قانونی» و «تئوری» و «عملی»، سومی را ارجح از دو نوع اول ذکر کرده است. مسئولین در جمهوری اسلامی ایران باید به ولایت فقیه اعتقاد عملی داشته باشند. بنابراین، منظور از اعتقاد عملی فرمانبرداری از توصیه‌ها و تذکرات، ولی و عمل به آن است. نتیجه چنین نگرشی، ایجاد وحدت فراگیر در میان مسئولین است (یاسمی، ۲۰۱۹).

نتایج

با توجه به اصول و عناصر هستی‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی این نتیجه به دست می‌آید که مدیریت ایشان از لحاظ ماهوی در راستای پذیرش حاکمیت و مدیریت خداوند بر تمامی امور دنیا است. در همین راستا جنس اصلی مدیریت شهید سلیمانی ضدخواست‌های نفسانی به شکلی جهادگرانه نمود می‌یابد و در عرصه مسائل اجتماعی و راهبردی با تلاش بی‌وقفه همراه با عقلانیت و مصلحت عجین شده است. این مدیریت انقلابی و ولایتمدارانه نیز هست؛ پایبندی به میانی و اصول انقلاب در محتوا و ساختار مدیریتی شهید سلیمانی متجلی شده است. نقش مدیریت ولایتمدارانه (اطاعت از ولی فقیه) در همین راستا قابل تفسیر و تبیین است.



شکل ۲: وجوه هستی‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی

منبع: طراحی توسط نویسندگان

معرفت‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی

پس از تحلیل مباحث مربوط به هستی‌شناسی، در پی جواب به این سؤالات هستیم که آیا مدیریت جهادی شهید سلیمانی قابل شناخت است؟ و منابع شناختی آن چیستند؟

معرفت‌شناسی به چگونگی و امکان شناخت انسان (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۶۷) و نظریه‌ای درباره این که انسان چگونه به این معرفت و شناخت رسیده است (افتخاری، ۲۰۱۵: ۴۳)، می‌باشد. اگر در هستی‌شناسی این گزاره که «چه چیزی برای شناخت وجود دارد»، اهمیت دارد، در معرفت‌شناسی «شرایط کسب شناخت» درباره آنچه وجود دارد، حائز اهمیت است (افتخاری، ۲۰۱۵: ۴۳). همچنین سؤالاتی از قبیل این که: آیا انسان می‌تواند همه پدیده‌ها را با قطعیت بشناسد؟ چه رابطه‌ای بین ذهن و عین و نظریه و عمل وجود دارد؟ و این که نظریه‌پردازی با چه سازوکاری صورت می‌پذیرد و از چه سازوکارهایی تأثیر می‌پذیرد؟ و یا چگونه می‌توانیم بدانیم که اصول و جوهره مدیریت جهادی شهید سلیمانی چیست؟

با توجه به اصول و مبانی هستی‌شناسانه مدیریت شهید سلیمانی، مدیریت وی قابل شناخت است. و شناخت اجزاء، مبانی و اصول مدیریت وی ملموس و قابل تدوین است. مدیریت شهید سلیمانی در راستای مدیریت خداوند و بر پایه اصول مشخص و قابل شناخت بنا شده است.

منابع شناخت‌شناسانه مدیریت شهید سلیمانی

در این بخش به دنبال آن هستیم که به‌طور عینی، به‌واسطه چه منابع و ابزاری می‌توانیم مدیریت جهادی شهید سلیمانی را بشناسیم؟ به اعتقاد نویسندگان، تخصص‌محوری (فن‌گرایی)، دشمن‌شناسی (رئالیسم)، شناخت بحران (مدیریت بحران) و فرهنگی (محبوبیت و ارتباطات جمعی) از منابع شناخت مدیریت شهید سلیمانی هستند.

تخصص‌محوری

نگاه نقادانه به امور، در مکتب مدیریتی شهید سلیمانی (بهرامی، ۲۰۱۹: ۶۳)، یکی از راه‌های شناخت نقاط قوت و ضعف آن است. اگر در جامعه، «اهل فن» با نگاه تخصصی خود، نقاط ضعف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در جامعه را به مسئولین بالا رتبه گوشزد نمایند، جامعه مسیر رشد خود را سریع‌تر و بهتر طی خواهد کرد. مقام معظم رهبری، درباره نگاه نقادانه در امور جاری تأکید مکرر داشته‌اند: «علماء، اساتید، روشنفکران، هنرمندان متعهد، نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند. البته با منطق محکم و بیان روشن، نه با «جنجال آفرینی» «قاسم سلیمانی» با توجه به اشراف بر امور با منطق محکم و بیان رسا سعی در مدیریت عملکرد به نحو احسن داشت.

دشمن‌شناسی

طبیعی است، جامعه‌ای که نتواند دشمن خود را بشناسد و از تهدیدهای او اطلاع پیدا کند، نمی‌تواند برای مقابله با آن برنامه‌ریزی صحیحی داشته و سیاست دفاعی مناسبی اتخاذ کند. به همین جهت، دشمن‌شناسی در مدیریت جهادی «قاسم سلیمانی» جایگاه ویژه‌ای داشته و این مکتب یکی از «شاخصه‌های» مدیریت جهادی را بر دشمن‌شناسی و راه‌های مقابله با آن استوار نموده است (افشار، ۲۰۲۱: ۱۱۵).

شهید سلیمانی در اهمیت بحث دشمن‌شناسی می‌فرماید:

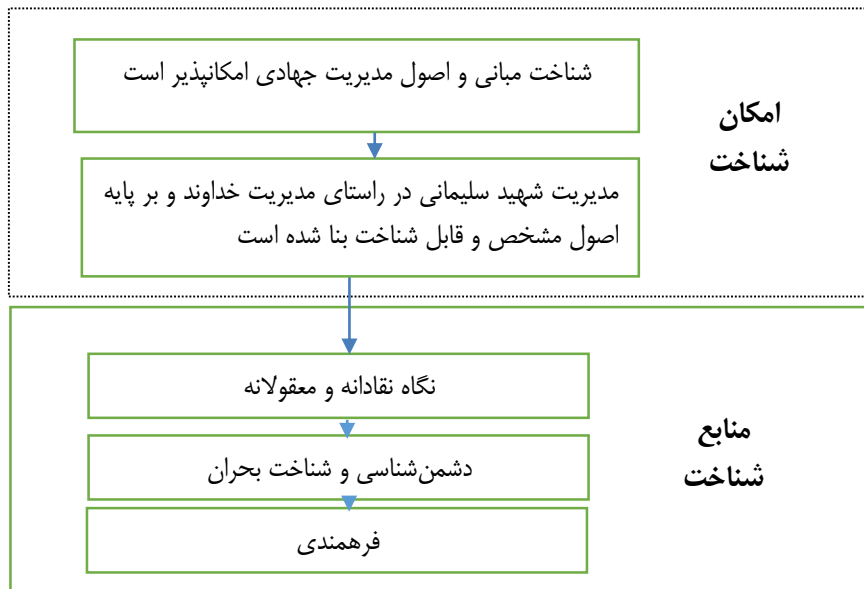
شناخت از دشمن یک امر سیاسی نیست. شناخت از دشمن یک امر تحقیقی و تجربی است. برای شناخت از دشمن باید به تاریخ سیطره و عملکرد و استراتژی دشمن توجه داشت. وی با بیان این سؤال که چرا امیرالمؤمنین(ع) با معاویه صلح نکرد؟ اگر علی(ع) با معاویه صلح می‌کرد چیزی از مشروعیت وی باقی می‌ماند؟ ممکن بود امیرالمؤمنین به شهادت نرسد اما آیا از اسلام چیزی باقی می‌ماند؟ اگر در جامعه ما نخبگان سیاسی اگر آدرس غلط به جامعه دادند مرتکب خیانت شده‌اند (سلیمانی، ۲۰۱۶).

شناخت بحران

بحران ترکیبی است از فرصت و تهدید و به یک تغییر و تحول ناگهانی که از قبل پیش‌بینی نشده است، اشاره دارد. که در چنین شرایطی، ضوابط، هنجارها و قوانین مرسوم، کارساز نخواهد بود (تاجیک، ۲۰۰۹: ۴۵). با این شیوه تحلیل، بحران دیگر یک رخداد نامساعد نیست؛ بلکه می‌تواند موجب صعود و پیشرفت باشد (حسینی، ۲۰۰۵: ۲۸-۷). شهید حاج قاسم سلیمانی متخصص مدیریت در شرایط بحران بود و مسائل منطقه را در بدترین شرایط حل می‌کرد. در بحث سوریه، راهکارهایی که وی به بشار اسد ارائه دادند راهگشا بود (سعیدی، ۲۰۱۹). علاوه بر مسائل سیاسی و اجتماعی وی در بحران‌های طبیعی نقش مؤثری داشت. در جریان سیل مختلف استان خوزستان در بهار ۱۳۹۸، نقش سردار سلیمانی علاوه بر بکارگیری نیروهای تحت امر خود، ساماندهی مناسب نیروهای مردمی براساس حضور مؤثر و موفق میدانی و همچنین هدایت درست امکانات پشتیبانی بوده است. از آنجا که مدیریت بحران واحد و هدایت و هماهنگی تحت نظر یک فرمانده از اصول بالاترین در علم مدیریت کاهش ریسک و مدیریت بحران است، وجود فرماندهی که علاوه بر کاردانی، چهره‌ای فرهمند باشد که همگان از او حرف‌شنوی طبیعی داشته باشند، بسیار حساس است. این ویژگی به‌درستی و به‌تمامی در سردار سلیمانی موجود بود (روزنامه شرق، ۲۰۱۸).

فرهمنندی

روان‌شناسان، افراد دارای کاریزما (جذبه) را افراد با نفوذی می‌دانند که می‌توانند بر ذهن و قلب دیگران کنترل داشته باشند. این قبیل افراد با ارزیابی دقیق از رفتار و عملکرد مردم، و قدرت تغییر دیدگاه‌های مخالف به سمت خود، عناصر پدیداری شخصیت خود را نمایان می‌سازند (بهرامی، ۲۰۱۹: ۶۴). در این ارتباط، مدیریت «قاسم سلیمانی» حکومت داعش را در جهان اسلام به پایان رسانید (داننده، ۲۰۱۹: ۱۲) و در عین حال، عجین شده با فسادستیزی بود. وی در عمل مقید به اصل پاکدستی بوده و این امر در تبدیل شخصیت این مدیر جهادی به یک کاریزما نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. به‌خصوص که وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود امیرالمؤمنین کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در مدیران جمهوری اسلامی هم، هرگز بعید نبوده و نیست.



شکل ۳: وجوه معرفت‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی

منبع: طراحی توسط نویسندگان

روش‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی

در این قسمت در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش هستیم که تاکتیک‌ها و راه‌کنش‌های شهید سلیمانی در مدیریت جهادی کدامند؟

روش‌شناسی به تحقیق و مطالعه درباره روش‌های علوم، مقایسه و یافتن نقاط ضعف و قوت آن‌ها می‌پردازد. در واقع در روش‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی به دنبال تاکتیک‌های مدیریتی وی هستیم.

عملگرایی

مقام معظم رهبری تدبیر را در کنار شجاعت یکی از سبک‌های مدیریتی شهید سلیمانی تلقی می‌نماید و در تحلیل این ویژگی شهید می‌فرماید: «برخی شجاعت دارند؛ اما تدبیر و عقل بایسته را برای به‌کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند؛ اما اهل اقدام و عمل نیستند». خنثی کردن نقشه‌های نامشروع آمریکا در غرب آسیا، نمونه‌ای از تدبیر شهید سلیمانی بود. کارسازی بی‌نظیر سردار سلیمانی در چالش فلسطین، به شکلی بود که به آنها جرأت و توان پیکار با دشمن را داد. ایشان با یاری مرجعیت دینی در عراق، عناصر مؤمن و جوانان شجاع عراقی را در برابر نقشه‌های آمریکا هشیار نمود. وی همچنین، در لبنان با تقویت حزب‌الله از نقش مداخله‌گرانه صهیونیست‌ها به شدت کاست (سالاری‌راد، ۲۰۲۲: ۳۵). در دوران جنگ با داعش در عراق و سوریه، شهید سلیمانی مانند دفاع مقدس نماد ایستادگی و استقامت است. الاسدی،

سخنگوی حشدالشعبی عراق، می‌گوید: حاج قاسم سلیمانی، همواره در صحنه نبرد حاضر است و من بر این عقیده‌ام هیچ هدایت راهبردی شکل نمی‌گیرد، مگر این که با راهنمایی‌های وی به سرانجام می‌رسد. قاسمی، فرمانده سپاه خراسان جنوبی، نیز می‌افزاید: «حضور سپهبد سلیمانی در عملیات، حال همه‌ی نیروها را خوب می‌کرد و قوت قلبی برای همه‌ی ما بود ... همیشه خودش در منطقه و میدان بود» (شیرازی، ۲۰۱۹: ۱۰۹-۱۰۴).

بدیل‌گرایی و زمان‌شناسی

برداشتن گام‌های بلند و ریسک‌پذیر بودن، یکی دیگر از مؤلفه‌های «مدیریت جهادی» است. البته بدیهی است که ضمانت موفقیت و پشتوانه هر گام بلندی، بررسی‌های علمی و داشتن برنامه صحیح است که یک «مدیر جهادی» از آنها برخوردار است. نمونه این گام‌های بلند و ریسک‌پذیری را در «مدیریت جهادی» قاسم سلیمانی در پیاده کردن اهداف «برون مرزی» جمهوری اسلامی به وضوح می‌بینیم. در روزهای اول حضور آمریکا در غرب آسیا (۲۰۰۰ م) شکست آمریکا باورکردنی نبود. اما «قاسم سلیمانی» توانست تصویر «شکست‌ناپذیری آمریکا»^۱ را به نقد بکشانند.

غیر از برداشتن گام‌های بلند، داشتن شتاب مناسب نیز از ویژگی‌های یک «مدیر جهادی» است. یکی از ویژگی‌های این مدیر سرعت عمل و به هنگام بودن وی بود. این شتاب به هیچ وجه منافاتی با تدبیر ندارد و اساساً تدبیر امور ملازم با کندی نیست. در نتیجه، باید گفت تدبیر به موقع و شتاب در انجام کار ضامن موفقیت در وظایف محوله است (سالاری سعیدی، ۲۰۲۱).

آینده‌نگری

تاریخچه «پیش‌بینی» فراتر از امروز و دیروز است. مدیر جهادی غافلگیر نمی‌شود و با ابزارهایی که در اختیار دارد، آینده را رصد و ارزیابی می‌نماید. در جریان غزوه «احزاب» پیامبر با ارسال مأموران و مخبران مسلمان به نقاط مختلف از هر گونه خطر احتمالی مطلع گردید. در این ماجرا با تدبیر توانست بحران و جنگ احتمالی احزاب را پیش‌بینی، و حتی تصمیمات مناسب را اتخاذ نماید (ابن بابویه، ۱۹۸۳: ۲۶۸). در این راستا «قاسم سلیمانی» نیز، اساس عملیات نظامی را بر غافلگیر نشدن استوار ساخته بود. این سبک مدیریت یکی از ارکان استراتژی «قاسم سلیمانی» در کلیه عملیات در غرب آسیا محسوب می‌گردید. «پیش‌بینی» کردن و «پیشگیری» کردن از رخدادهای جاری که می‌توانست معادلات را بر هم زند از اصول بنیادین نظامی او محسوب می‌گردید. که در کنار ابتکار عمل، چینش مطلوبی ایجاد نمود.

ارزیابی منابع

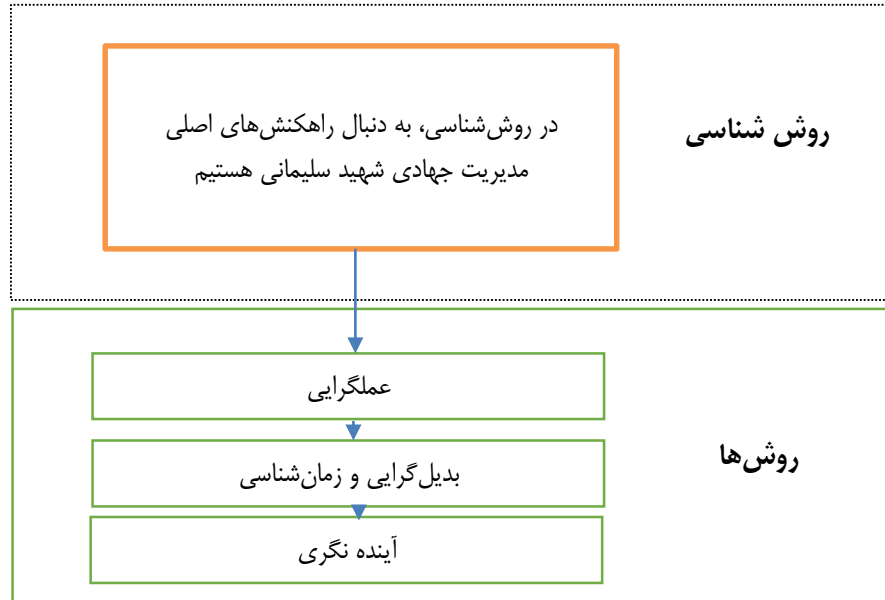
اساس کار «قاسم سلیمانی» بر مشورت گرفتن، مشارکت و پرهیز از تک‌روی استوار بوده است. برای نتیجه مطلوب از بسیج کلیه عوامل مادی و معنوی ابایی نداشت. شیوه‌ای که سبک انبیا است (عاملی، ۱۹۹۶، ج ۹:

۱. «دونالد ترامپ» در مناظرات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ م، خطاب به رقیب خود «هیلاری کلینتون» اعلام نمود: ۶ تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کردیم و چیزی به‌دست نیاوردیم.

۷۶). فعالیت گروهی به دلیل داشتن افکار، انرژی‌ها و توانمندی‌ها، در کنار هم باعث به وجود آمدن آثار، برکات مثبت و مفیدی است که از جمله آن؛ موجب تولید فکر بیشتر تقویت اندیشه؛ و تقویت انگیزه افراد می‌شود. در مدیریت جهادی سعی می‌شود که از تک‌روی و حرکت‌های انفرادی پرهیز شود و در مقابل برای کار گروهی و مشترک تأکید بسیار می‌شود.

بسیج منابع (جامعه‌محوری)

مدیریت شهید سلیمانی بود که «داعش» را عقب راند و با بسیج نیروهای مردمی اساس حکومت آنها را نابود کرد. آن چنان که حتی بانیان «داعش»، در خفا و آشکار «قاسم سلیمانی» را - ضمن تأکید بر این نکته که مانعی ست در تحقق اهدافشان است- تحسین نمودند (مقیمی، ۲۰۱۸: ۶۵). علاوه بر یک فرمانده نظامی، افسری مطلع در جبهه «جنگ نرم» بود و به‌همین وسیله در اذهان مردم جای گرفت. او با «بازسازی» و «پاکسازی» مدیریت نوینی را پایه‌ریزی نمود. بازگشت به شرایط عادی زندگی پس از بحران، لازمه ادامه حیات اجتماعی است و مدیران جامعه سعی در اصلاح شرایط بحرانی و عبور از آن را دارند تا چرخه حیات جامعه به شکلی طبیعی ادامه یابد. اصلی که مورد غفلت واقع نگردید و اساس کار مدیریت «قاسم سلیمانی» در منطقه بود. ریشه‌کن کردن زمینه‌های وقوع بحران اقدامی است منطقی، به منظور مصونیت جامعه. تا مجدد از همان عامل بحران‌زا دچار آسیب نشود.



شکل ۴: وجوه روشن‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی

منبع: طراحی توسط نویسندگان

نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق پیش‌رو تبیین ابعاد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه مدیریت جهادی شهید سلیمانی به‌عنوان یک پارادایم مدیریتی برگرفته از اصول انقلاب اسلامی است. در همین راستا چهار سؤال اصلی مطرح شد:

- مدیریت جهادی شهید سلیمانی چگونه از حیث معنایی و عملی با انقلاب اسلامی رابطه برقرار می‌کند؟
 انگاره ارزشی «مدیریت جهادی» به شکل نوین پس از پیروزی «انقلاب اسلامی» با شکل‌گیری «جهاد سازندگی» به‌وجود آمد. و طی زمان بسط و گسترش یافت. فرهنگ برآمده از دوران جهاد سازندگی، بر روی جهادگران چنان ابعادی داشت؛ که مردم، این طیف را به‌عنوان الگویی از یک «انسان کامل» و «ابر مرد» می‌شناختند. که دارای مدل مدیریتی متفاوت با سبک‌های مرسوم علمی هستند؛ مدیریتی که «بومی» و منطبق با «ارزش‌های اسلامی» است؛ و به‌خصوص در مدیران سطوح عالی از جمله شهید سلیمانی نمود بیشتری دارد. لذا قاسم سلیمانی به‌عنوان یکی از مدیران در ساختار حکومت که موفق به گرفتن نشان «ذوالفقار» گردید در این عرصه جای دارد.

- مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ هستی‌شناسی، چگونه قابل تبیین است؟
 با توجه به اصول و عناصر هستی‌شناسی مدیریت جهادی شهید سلیمانی این نتیجه به‌دست می‌آید که مدیریت ایشان از لحاظ ماهوی در راستای پذیرش حاکمیت و مدیریت خداوند بر تمامی امور دنیا است. در همین راستا، جنس اصلی مدیریت شهید سلیمانی ضدخواسته‌های نفسانی به شکلی جهادگرانه نمود می‌یابد و در عرصه مسائل اجتماعی و راهبردی با تلاش بی‌وقفه همراه با عقلانیت و مصلحت‌عجین شده است. این مدیریت انقلابی و ولایت‌مدارانه نیز هست؛ پایبندی به مبانی و اصول انقلاب در محتوا و ساختار مدیریتی شهید سلیمانی متجلی شده است. نقش مدیریت ولایت‌مدارانه (اطاعت از ولی فقیه) در همین راستا قابل تبیین است.

- مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ معرفت‌شناسی، چگونه قابل تبیین است؟
 از لحاظ معرفت‌شناسی، اولاً مدیریت جهادی شهید سلیمانی در پرتو انقلاب اسلامی قابل شناخت است و منابع شناخت آن، تخصص‌محوری، فرهنگ‌مندی، دشمن‌شناسی و شناخت بحران هستند. فن‌گرایی، در مکتب مدیریتی شهید سلیمانی یکی از راه‌های شناخت نقاط قوت و ضعف آن است. اگر در جامعه، «اهل فن» با نگاه تخصصی خود، نقاط ضعف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در جامعه را به مسئولین بالا رتبه گوشزد نمایند، جامعه مسیر رشد خود را سریع‌تر و بهتر طی خواهد کرد. مقام معظم رهبری، درباره نگاه نقادانه در امور جاری تأکید مکرر داشته‌اند: «علما، اساتید، روشنفکران، هنرمندان متعهد، نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند. البته با منطق محکم و بیان روشن، نه با جنجال آفرینی». شهید سلیمانی با توجه به اشراف بر امور با منطق محکم و بیان رسا سعی در مدیریت عملکرد به نحو احسن داشت. دشمن‌شناسی و شناخت بحران در مدیریت جهادی «قاسم سلیمانی» جایگاه ویژه‌ای داشته و این مکتب یکی از «شاخصه‌های» مدیریت جهادی را بر دشمن‌شناسی و راه‌های مقابله با

آن استوار نموده است. وی در عمل مقید به اصل پاکدستی بوده و این امر در تبدیل شخصیت این مدیر جهادی به یک کاریزما نقش تعیین کننده‌ای داشته است. به‌خصوص که وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود امیرالمومنین کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در مدیران جمهوری اسلامی هم، هرگز بعید نبوده و نیست.

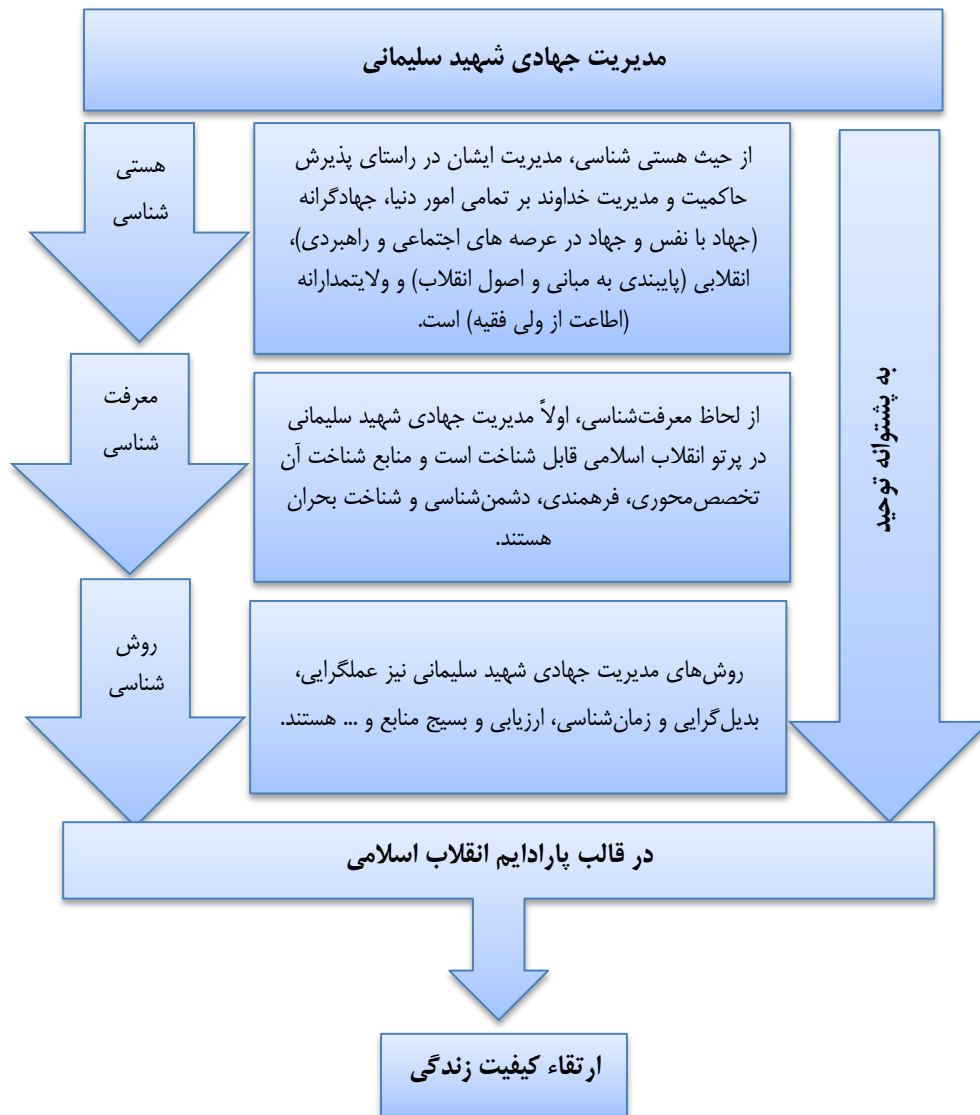
- مدیریت جهادی شهید سلیمانی از لحاظ روش‌شناسی، چگونه قابل تبیین است؟

«مدیریت جهادی» مدیریتی است همراه با عملگرایی، که کار را با جدیت، شوق و خستگی‌ناپذیری انجام می‌دهد، نه فقط پر قدرت و احیاناً برای اسقاط تکلیف. از دیگر روش‌های شهید سلیمانی بدیل‌گرایی و زمان‌شناسی است. این گام‌های بلند، و ریسک‌پذیری را در «مدیریت جهادی» قاسم سلیمانی در پیاده کردن اهداف «برون مرزی» جمهوری اسلامی به وضوح می‌بینیم. در روزهای اول حضور آمریکا در غرب آسیا (۲۰۰۰ م) شکست آمریکا باور کردنی نبود. اما «قاسم سلیمانی» توانست تصویر «شکست‌ناپذیری آمریکا» را به نقد بکشد. همچنین «شهید سلیمانی» نسبت به ترکیب سیاسی - اجتماعی و شرایط فرهنگی - اقتصادی دشمن کاملاً آگاه بود. روش‌ها، الگوها و اسلوب‌های دشمنان را می‌شناخت و از «من» ایشان در زندگی مطلع بود. او با «بازسازی» و «پاکسازی» مدیریت نوینی را پایه‌ریزی نمود. بازگشت به شرایط عادی زندگی پس از بحران، لازمه ادامه حیات اجتماعی است و مدیران جامعه سعی در اصلاح شرایط بحرانی و عبور از آن را دارند تا چرخه حیات جامعه به شکلی طبیعی ادامه یابد.

بر اساس آنچه گفتیم؛ «قاسم سلیمانی» انسانی تعالی‌یافته بود و خود را صرفاً در چارچوب و محدوده یک فرد نظامی که تخصص و مهارت بالایی در نظامی‌گری داشته باشد، نگه نداشت؛ بلکه فراتر رفته و توانمندی‌ها و قابلیت‌های دیگر خود را نیز به شکوفایی رساند. توانایی وی در فهم حقیقت، و شناختی کارآمد از اسلام و انقلاب و جهان غرب کاملاً قابل توجه بوده است.

او روشی انقلابی را پیشه ساخته و استمرار آن را کاملاً ضروری می‌دانست. بنابراین، مدیریت جهادی شهید سلیمانی حلقه مفقوده در اقتصاد و فرهنگ کشور است که می‌بایست به‌عنوان یک الگو جهت «برون‌رفت» از مشکلات جامعه سرلوحه مدیران در همه سطوح قرار گیرد. عملکرد مدیران سطوح عالی کشور هر زمان که در «عمل» و نه فقط «شعار» منطبق بر «عقلانیت دینی» بوده، توانسته است، ضمن فائق آمدن بر مشکلات و توطئه‌ها، با جامعه خود نیز به خوبی ارتباط برقرار کند و اعتماد عمومی حاکمیت و مردم را در وضعیت مناسبی قرار دهد. در یک چنین جامعه‌ای است، که مردم احساس آرامش می‌کنند؛ و می‌توانند به سمت اهداف عالی خود پیش رفته و عزم ملی را حفظ نمایند.

با این توصیف، «قاسم سلیمانی» تنها یک الگو در عرصه نظامی نبوده و نیست؛ بلکه او برای همه کارگزاران و جامعه، یک الگوی جامع اخلاقی - فکری - معنوی و نمونه‌ای برجسته از یک «مدیر جهادی» است.



شکل ۵: مدیریت جهادی شهید سلیمانی

منبع: طراحی توسط نویسندگان

References

- Afshar, Asadullah (2021). *Sardar Soleimani (a general who must be re-known)*, Tehran, Sefir Ardahal Publications. (In Persian)
- Ali Shiri, Mohammad Mahdi; Tulai, Ruhollah; Beidi, Mojtaba (2015). "Principles governing Jihadist management: a qualitative analysis of the experience of Jihadist management in the country", *State Management Review*. Number, 28: 109-89. (In Persian)
- Alimardani, Zohra and Pourkarimi, Javad (2019). "characteristics of jihadi management in the school of Martyr Hajj Qassem Soleimani", *Proceedings of International Conferences of the Second Step of the Revolution*, Volume 2, Number 3: 1-22. (In Persian)
- Ameli, Seyyed Jafar al-Mortaza (1996). *Sahih Man Sirah al-Nabi al-Azam*, Beirut: Dar al-Hadi, volume 9. (In Persian)
- Bahrami, Mohammad Reza (2019). *Leader of Resistance*, Tehran, first edition, Beed Publications. (In Persian)
- Basiri, Hamidreza (2017). "The place of the principle of causality in Islamic thought (with emphasis on the opinions of Allameh Tabatabai)", *thought of Allameh Tabatabai*, year 4, number 7: 27-44. (In Persian)
- Danandeh, Mustafa (2019). Why did people like Qasem Soleimani? *Asr Iranian news analysis site*. Available at <https://www.asriran.com/fa/news/706844>. (In Persian)
- Ebrahimpour, Hassan; Rahimi Soura, Samad; Hedayat Nejad, Ali Asghar; Taheri, Hamid (2007). Selected Articles of Jihadi Management, Agricultural Education Publication, *Education Technology Services Office*. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (2015). "Strategic Requirements of the Islamic Revolution for Political Science", *Journal of the Islamic Revolution*, Year 4, Number 17: 39-50. (In Persian)
- Ezzati, Mustafa (2013). *Analysis of the concept of jihadi management*, field and university information base. (In Persian)
- Fa'al Golshani, Taher & Atai, Mohammad (2021). "Explaining the dimensions of the revolutionary behavior of managers and comparing it with the management literature", *Quarterly Journal of Modern Research Approaches in Management and Accounting*, Year 5, Number 83: 1435-1450. (In Persian)
- Firouzabadi, Seyed Jalal (2009). "The Transtheoretical Foundations of the Islamic Theory of International Relations", *Foreign Relations*, Volume 2, Number 2: 49-96. (In Persian)
- Hosseini, Hossein & Jedi, Majid (2005). "The role of military organization in natural crisis management", *Defense Policy Quarterly*, Year 2013 and 2014, No. 52-53: 7-28. (In Persian)
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1403AH). *Al-Khasal, M.*: Islamic Publishing House, Volume 2.
- Javadi Amoli, Abdullah (2006). *Thematic Tafsir of the Holy Qur'an*, Isra Publishing Center, vol.6. (In Persian)
- Khalaj, Mehran (2019). "Examination of the relationship between the evaluation indicators of jihadi management and strategic management", *Military Management Quarterly*, year 20, number, 2: 119-154. (In Persian)

- Moghimi, Seyyed Mohammad (2018). "Management based on sincerity; The Essence of Shahid Soleimani School", *Islamic Management Quarterly*, Volume 27, Number 3: 5-12. (In Persian)
- Mohammadi Sirat, Hossein (2021). "Qur'anic Principles and Principles of Jihadist Social Crisis Management", *Crisis Management Quarterly*, Year 13, Number 3: 58-89. (In Persian)
- Mohammadi, Mazaher (2008). "Explanation of jihadi culture and management and its indicators", Tehran: Nadai Elahi, *collection of articles on jihadi management*. (In Persian)
- Montazeri, Mohammad; Bahmani, Akbar and Fathizadeh, Alireza (2018). "A model of good governance from the point of view of Nahj al-Balaghe: a step towards explaining the Iranian Islamic model of progress", *Journal of Iranian Islamic Development Model Studies*, 11: 155 -133. (In Persian)
- Mortazavi, Mehdi; Qalipour, Arin; Pourezat, Ali Asghar; Ashrafi, Vahid (2008). "Management of Organizational Culture Change and Development from Concept to Action", Tehran: *Collection of Jihadist Culture and Management Articles*. Volume, 2, pp. 169-212. (In Persian)
- Muhaddi, Javad (2006). *Fatemi ethics*, Qom. Al-Zahra community. (In Persian)
- Naqdpour, Mahmoud and Mukhtarband, Mahmoud (2019). "Study on the role of the Jihadi management approach of Martyr General Hajj Qassem Soleimani in facing the economic sanctions of the West against Iran", *Series of International Conferences of the Second Step of the Islamic Revolution*, Volume 2: 1-18. (In Persian)
- Pahlavan Sharif, Mohammad Amin and Kazemi Shourai, Mohammad Hosein (2019). "Explaining the Competence Model of Civilizing Jihadist Managers Studying: (Martyr Qasim Soleimani)", *Islamic Management*, Year 28, Number 4: 141-168. (In Persian)
- Rafiei Tari, Neda and Abdian, Mahya (2019). "Symology and symbology of Martyr Soleimani's character", *Media Religious Studies*, Volume, 2, No. 5-6: 112-132. (In Persian)
- Rajabi, Mohammad (2019). "Indicators of the school of Martyr Soleimani in the thought of Ayatollah Khamenei", *Islamic Insight and Education*, year 7, number 55: 36-51. (In Persian)
- Rezaei, Mohsen (2019). an introduction to the dimensions of the Qassem Soleimani school from the point of view of Major General Mohsen Rezaei, *Collection of Speeches of the Soleimani School*, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein University, summer number 4. (In Persian)
- Rezaian, Ali (2010). *Principles of Management*, Tehran: Somit Publications.
- Rodger Kohpar, Mohammad Javad (2021). *Social Spirituality in the Soleimani School*, Tehran, Danesh and Andisheh Maazer Publications. (In Persian)
- Sadeedi, Ali (2019). "Martyr Soleimani was an expert in crisis management", *Shabestan news agency*, date of last access: 09/23/2014. (In Persian)
- Sadeghi, Fethullah and Ghasemi, Lotfollah (2009). *Combining jihadi culture with organizational culture to launch a new structure* (jihadi organizational culture), Tehran: Collection of Jihadi Management Articles. (In Persian)
- Salari Rad, Masoumeh (2022). "The most characteristic features of martyr Sardar Haj Qasim Soleimani", *quarterly magazine of cultural and social studies of the region*, year 6, number 12: 27-45. (In Persian)

- Salari Saeedi, Hamid (2021). Explanation of Islamic management and Jihadi management with a strategic approach, *National Conference of Management and Entrepreneurship at the School of Martyr Haj Qasim Soleimani*. (In Persian)
- Sharq newspaper (2018). "Sardar Soleimani, a successful symbol of natural crisis management", news code: 256487.
- Shirazi, Ali (2019). *Indicators of Shahid Soleimani School*, Qom: Khat Moghadam Publications. (In Persian)
- Sohailei, Hamidreza and Moradi, Bahram (2020). "Islamic governance of the grassroots people based on Jihadi management with emphasis on the statement of the second step of the revolution", *Hokmrani Mota'ali*, year 8: 107-139. (In Persian)
- Soleimani, Qasim (2016). Sardar Soleimani's heavy criticism of doubting the enemy, *Aparat*, date of last access: 09/12/2014. (In Persian)
- Taheri Sarteshnizi, Eshagh and Azizkhani, Ahmed (2011). "Postmodern Anthropology and its Criticism from the Perspective of Religious Teachings", *Religious Anthropology*, Volume 8, Number 25: 35-64. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2009). *Crisis Management: A Review on Crisis Analysis and Management Methods in Iran*, Tehran: Farhang. (In Persian)
- Yasmi, Ali (2019). "Theoretical and practical principles of politics in the school of Martyr Hajj Qassem Soleimani", Strategic Research Institute, *Scientific Research Group for Security, Defense, Political Thought*, <https://b2n.ir/y29702>. (In Persian)